

نقش میانجی احساس گناه و شرم در رابطه بین سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های

ناسازگار اولیه و پرخاشگری ارتباطی پنهان زناشویی

حکیم سحاقی^۱، مریم پورامراللهی^۲، سعید ویسی^۳، بهناز رهبریان یزدی^۴

۱. گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
۲. گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زرنده، کرمان، ایران.
۳. کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه دانشگاه بوعلی سینا همدان، همدان، ایران.
۴. کارشناسی ارشد راهنمایی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران.

فصلنامه ایده‌های نو در تعلیم و تربیت، دوره پنجم، شماره پانزدهم، تابستان ۱۴۰۴، صفحات ۲۳-۱۷

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش میانجی گناه و شرم در رابطه میان سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با پرخاشگری ارتباطی پنهان زناشویی در زوجین انجام شد. روش پژوهش، توصیفی-پیمایشی با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش را زوجین متأهل شهر اهواز تشکیل دادند. با توجه به نامحدود بودن جامعه آماری، از فرمول کوکران برای تعیین حجم نمونه استفاده شد که منجر به انتخاب ۳۸۴ نفر به صورت تصادفی گردید. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی (کالینز و رید، ۱۹۹۰)، طرحواره‌های ناسازگار اولیه (یانگ، ۱۹۹۸)، پرخاشگری ارتباطی پنهان زناشویی (نلسون و کارول، ۲۰۰۶) و احساس گناه و شرم (کوهن و همکاران، ۲۰۱۱) بود؛ روایی سازه و پایایی ابزارها (آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی) مورد تأیید قرار گرفت. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS23 و SmartPLS 2 تحلیل شدند. یافته‌ها نشان داد که احساس گناه و شرم در مسیر رابطه میان دلبستگی (اجتنابی و اضطرابی) و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با پرخاشگری ارتباطی پنهان، نقش میانجی ایفا می‌کند؛ اما این متغیر در مسیر رابطه میان سبک دلبستگی ایمن و پرخاشگری پنهان نقش میانجی نداشت. همچنین، دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و احساس گناه و شرم، تأثیر مستقیم و مثبت بر پرخاشگری ارتباطی پنهان داشتند. مدل ساختاری با شاخص برازش (GoF=۰/۵۳) از برازش مطلوبی برخوردار بود. همچنین، ضریب تعیین (R²R²) برای متغیرهای گناه و شرم ۰/۵۳ و برای پرخاشگری ارتباطی پنهان ۰/۷۷ برآورد شد که نشان‌دهنده قدرت بالای مدل در تبیین این متغیرهاست.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، پرخاشگری ارتباطی پنهان، احساس گناه و شرم، زوجین.

مقدمه

سنگ بنای خانواده، ازدواج است و ازدواج نیازمند همکاری، همدلی، وحدت علاقه، مهربانی، بردباری و مسئولیت‌پذیری است. یکی از جنبه‌های حیاتی یک سیستم زناشویی، رضایتی است که همسران در رابطه خویش احساس و تجربه می‌کنند، که دارای بیشترین تأثیر در انسجام و ثبات خانوادگی است. در نتیجه یکی از اهداف اصلی پژوهش‌ها درباره‌ی روابط بین زوجین، مشخص کردن عواملی است که بر کیفیت تعاملات بین زوجین تأثیر می‌گذارد (خزاعی و همکاران، ۱۳۹۶). سبک دلبستگی به‌طور سنتی به‌عنوان الگوی کاری یک شخص یا مجموعه‌ای از اعتقادات و احساسات درونی درباره امنیت روابط توصیف شده است، که در طول زمان از طریق تعامل با دیگران شکل می‌گیرد (ساندبرگ^۱ و همکاران، ۲۰۱۷). این مجموعه از عقاید روابط ما را آگاه می‌سازد و تلاش‌های ما برای ارتباط یا قطع ارتباط دیگران را راهنمایی می‌کند (میکولینسر و شاور^۲، ۲۰۰۷). به‌طور خاص، پرخاشگری زناشویی، درگیری، مشکلات و نارضایتی با تعدادی از مشکلات مهم سلامت جسمی و روحی مرتبط بوده است. به‌طور کلی، ازدواج‌های بی‌کیفیت از نظر سرمایه انسانی و اقتصادی بسیار پرهزینه است (ساندبرگ و همکاران، ۲۰۱۷). محققان حتی مدل‌هایی را برای چگونگی تأثیرگذاری سبک دلبستگی یک فرد در رابطه با رضایت و تعامل از روابط عاشقانه ایجاد کرده‌اند (میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۲). یافته‌ها حاکی از آن است که عدم امنیت دلبستگی بیشتر به کیفیت روابط و عملکرد ضعیف‌تر مربوط می‌شود (بیشارت^۳، ۲۰۰۳؛ گالو و اسمیت^۴، ۲۰۰۱؛ هولیست و میلر^۵، ۲۰۰۵)؛ در حالی که امنیت دلبستگی بیشتر به پیامدهای مثبت زناشویی مربوط می‌شود (فانفاوسن و کاشول^۶، ۲۰۱۳). به‌طور کلی، در یک بررسی بیش از ۵۰ مطالعه ارزیابی رابطه بین دلبستگی و رضایت زناشویی میکولینسر و شاور (۲۰۰۷) نتیجه گرفتند که برای هر دو زن و مرد، شواهد روشن و مداوم وجود دارد که نشان می‌دهد ناامنی دلبستگی به رضایت زناشویی ضعیف‌تر مربوط می‌شود. از آن‌جا که تحقیقات در مورد دلبستگی زوجین به سرعت افزایش یافته است (کوان^۷ و همکاران، ۲۰۰۹) آشکار می‌شود که دلبستگی زناشویی به رضایت زناشویی کلی نیز مربوط می‌شود (الکساندراو^۸ و همکاران، ۲۰۰۵). تحقیقات نشان داده است که دلبستگی زن و شوهر با ثبات و رضایت روابط و همچنین ارتباط مثبت زوج رابطه دارد (ساندبرگ و همکاران، ۲۰۱۲). هنگامی که یک سبک دلبستگی در دسترس یا پاسخگو نباشد، انسان تمایل دارد به طریق قابل پیش‌بینی پاسخ دهد. فقدان چنین چهره‌ای اغلب به رفتارهای دوردست (اجتنابی) یا بیش از حد هوشیار (اضطرابی) منجر می‌شود. در واقعیت، هر دو رفتار اجتناب‌ناپذیر و اضطرابی در خدمت همان هدف یا نقش تطبیقی / عملکردی هستند، یعنی کمک به شخص برای مدیریت تجربه ناامنی که همراه با تهدید انزوا، از بین رفتن یا رها کردن است. میکولینسر و شاور (۲۰۰۷) در بررسی جامع درباره ادبیات نتیجه گرفتند که هر دو سبک اضطرابی و اجتنابی با نارضایتی در روابط زنان و مردان بالغ همراه است، با این‌که اجتناب از مردان پیش‌بینی‌کننده‌تر از نارضایتی خود و شریک زندگی است (ساندبرگ و همکاران، ۲۰۱۷).

یکی از ابعاد وجودی انسان، هیجان‌ها هستند. پژوهش‌های اخیر علاوه بر بررسی هیجان‌های بنیادی به هیجان‌های پیچیده‌تری از جمله هیجان‌های اجتماعی و هیجان‌های خودآگاه مانند غرور، شرم و گناه^۹ نیز گسترش پیدا کرده است. شرم و گناه هیجان‌های هشیارانه‌ای هستند که از نظر رفتاری، شناختی و عاطفی متمایزند (چری^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۷). تمایز اصلی بین هیجان شرم و گناه اهمیت نقش "خود" است. گناه نشان‌دهنده قضاوت در مورد رفتار یا عمل فرد است که در نتیجه این قضاوت فرد می‌تواند رفتار یا عملش را که تأثیر نامطلوبی بر دیگری داشته است، تغییر دهد. به‌عنوان مثال، «من این عمل یا رفتار بد را انجام دادم» (تانگی و تریسی^{۱۱}، ۲۰۱۲). احساس شرم نشان‌دهنده قضاوت پایدار و با ثبات در مورد خود و یا شخصیت فرد است که می‌تواند ناشی از ادراک ارزیابی منفی از دیگران نسبت به خود یا ارزیابی منفی از خود باشد. به‌عنوان مثال، من بد هستم. در احساس گناه خود مرکز توجه نیست، بلکه جنبه ویژه‌ای از رفتار فرد مرکز توجه است. در مقابل در

¹ SANDBERG

² Mikulincer & Shaver

³ Besharat

⁴ Gallo & Smith

⁵ Hollist & Miller

⁶ Fuenfhausen & Cashwell

⁷ Cowan

⁸ Alexandrov

⁹ Prade, Shame and Gulit

¹⁰ Cherry

¹¹ Tangney & Tracy

احساس شرم خود مرکز توجه است که در آن فرد ممکن است احساس بی‌ارزشی و احساس کوچک بودن^۱ را تجربه کند و می‌تواند باعث شود شخص تمایل به فرار کردن از موقعیت و مخفی کردن خود داشته باشد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۶). ریشه آسیب‌شناختی احساس شرم ممکن است با تجربه دلبستگی افراد در کودکی ارتباط داشته باشد و از تجربه اولین مرحله از زندگی در پاسخ به طرد یا جدایی از مراقبت‌کنندگان کودک نشأت گرفته باشد (پاسانیسی^۲ و همکاران، ۲۰۱۵). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که سبک‌های دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با نشانه‌های روانشناختی ناخوشایندی مانند شرم، خشم و خودشیفتگی (هژدنبگ و آندروس^۳، ۲۰۱۱) ارتباط دارد. پژوهش آکباگ و اردن ایماموگلو^۴ (۲۰۱۰) نشان داد سبک‌های دلبستگی انفصالی و ایمن می‌توانند احساس شرم را پیش‌بینی کنند در حالی که احساس گناه تنها به‌وسیله سبک دلبستگی انفصالی قابل پیش‌بینی بود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند مانند بسیاری از هیجانهای منفی، احساس شرم نیز ممکن است ناشی از سبک‌های دلبستگی نایمن باشد (اسچایممتی^۵، ۲۰۱۲). پاسانیسی و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی نشان دادند رابطه بین سبک دلبستگی ایمن با احساس شرم منفی و معنی‌دار، در حالی که رابطه بین سبک دلبستگی هراسان^۶ با احساس شرم و رابطه بین سبک دلبستگی دل‌مشغول^۷ با تجربه احساس شرم مثبت و معنادار است؛ و رابطه بین سبک دلبستگی بی‌اعتنا^۸ با تجربه احساس شرم منفی (-۰/۰۸) است اما از لحاظ آماری معنادار نیست. نتایج پژوهش آکباگ و اردن ایماموگلو (۲۰۱۰) نشان داد سبک‌های دلبستگی انفصالی به‌شکل مثبت و سبک دلبستگی ایمن به‌شکل منفی می‌توانند احساس شرم را پیش‌بینی کنند. احساس گناه تنها به‌وسیله سبک دلبستگی انفصالی به‌شکل منفی و معنادار قابل پیش‌بینی بود. پژوهش‌های مختلفی نشان داده است که خشونت و پرخاشگری از جمله عواملی است که کیفیت تعاملی زوجین را تحت تأثیر قرار می‌دهد (رنشاو^۹ و همکاران، ۲۰۱۰؛ کورتیس^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۵؛ خانجانی و ظفرقلی‌زاده، ۱۳۸۸؛ تفرشی و همکاران، ۱۳۹۲). پرخاشگری فیزیکی^{۱۱}، شکلی از خشونت خانگی در خانواده است که توجه عمده‌ای از مطالعات زناشویی و خانواده را به‌دلیل ماهیت شدید و تأثیر منفی روانی و اقتصادی زیادی که بر جامعه دارد، به خود اختصاص داد است (چانگ و چویی^{۱۲}، ۲۰۱۴). بجو کوئیست، اوسترمان و لاجرسپینز^{۱۳} (۱۹۹۴)، معتقد هستند که «پرخاشگری فیزیکی مستقیم، تنها نشان‌دهنده‌ی نوک کوه یخ از پرخاشگری فردی است» (به‌نقل از مادسن^{۱۴}، ۲۰۱۲). محققان نشان داده‌اند که رفتار پرخاشگرانه‌ی پنهان ارتباطی، به‌عنوان عاملی مؤثر بر بی‌ثباتی ازدواج، تأثیر شایان توجهی دارد (کارول^{۱۵} و همکاران، ۲۰۱۰). پرخاشگری ارتباطی به تلاش برای آسیب رساندن به همسر از طریق اعمال نفوذ هدفمند زدن به رابطه اطلاق می‌شود. پرخاشگری ارتباطی پنهان، می‌تواند به دو شکل در روابط عاشقانه‌ی بین زوجین برقرار شود؛ یکی به صورت خودداری از محبت ورزیدن و صمیمیت جنسی که کناره‌گیری عاطفی نامیده می‌شود. یا به صورت خراب کردن وجهه‌ی اجتماعی از طریق بدگویی، شایعه‌پراکنی، در میان گذاشتن اطلاعات خصوصی همسر با دیگران یا فراهم کردن امکان دخالت دیگران در جریان بحث‌ها و مشاجرات، خود را نشان می‌دهد (خزاعی و همکاران، ۱۳۹۶). به نظر صاحب‌نظران، اغلب مشکلات ارتباطی بین زوجین می‌تواند به پرخاشگری پنهان بین زوجین منتهی شود (فرانکل^{۱۶} و همکاران، ۲۰۱۵)، نتایج مطالعه‌ی همین و اسلپ^{۱۷} (۲۰۰۲) حاکی از این بود که زنانی که از خشونت پنهان رنج برده‌اند، در مقایسه با زنانی که پرخاشگری پنهان را تجربه نکرده‌اند، در معرض خطر بیشتری برای قربانی شدن و سایر آسیب‌های روانی و اجتماعی قرار می‌گیرند.

¹ Being Small

² Passanisi

³ Hejdenberg & Andrews

⁴ Akbag & Erden Imanoglu

⁵ Schimmenti

⁶ Fearful

⁷ Preoccupied

⁸ Dismissive

⁹ Renshaw

¹⁰ Curtis

¹¹ Physical aggression

¹² Chung & Choi

¹³ Bjorkqvist, Osterman & Lagerspetz

¹⁴ Madsen

¹⁵ Carroll

¹⁶ Frankel

¹⁷ Heyman & Slep

طرح‌واره درمانی به عنوان درمان روانشناختی با تأکید فراوان بر تجارب دوران کودکی و آسیب‌شناختی شخصیتی مورد بحث قرار گرفته است (رنر^۱ و همکاران، ۲۰۱۶). طرح‌واره‌های اولیه باورهایی هستند که افراد درباره خود، دیگران و محیط دارند، و به‌طور معمول از ارضا نشدن نیازهای اولیه به‌خصوص نیازهای عاطفی در دوران کودکی سرچشمه می‌گیرند. در واقع طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در طول زندگی ثابت و پا برجاستند و اساس ساخت‌های شناختی فرد را تشکیل می‌دهند. این طرح‌واره‌ها به شخص کمک می‌کنند تا تجارب خود را راجع به جهان پیرامون سازمان‌دهنده و اطلاعات دریافتی را پردازش کنند. از آن‌جا که طرح‌واره‌ها همانند چهارچوبی برای پردازش اطلاعات به کار می‌روند و تعیین‌کننده واکنش‌های عاطفی افراد نسبت به موقعیت‌های زندگی و روابط بین فردی می‌باشند، گفته شده که با رضایت از زندگی رابطه دارند. یانگ (۱۹۹۹) بر این باور است که طرح‌واره‌های ناسازگار در افراد به تجربه رویدادهای منفی در زندگی منجر می‌شود و حضور چنین رویدادهایی در زندگی شخص، باعث احساس فشار روانی بیش از حد و ناراضی‌ت از زندگی می‌شود. کسانی که از طرح‌واره‌های ناسازگار به‌طور افراطی استفاده می‌کنند، بیشتر تحت تأثیر حوادث منفی زندگی قرار می‌گیرند (معصومی، ۱۳۹۵). طرح‌واره‌های ناسازگاری اولیه شامل پنج بخش می‌باشد که شامل: استقلال اختلال و عملکرد در درجه اول شامل اعتقاداتی در مورد خود است که فرد خود را ضعیف، ناکارآمد و درمانده می‌داند و این طرح‌واره‌ها تأثیرات مهمی بر اعتماد به نفس بخش‌های مختلف زندگی دارد. محدودیت‌های مختل‌شده؛ طرح این طبقه مربوط به قدردانی، ارزیابی و محدودیت‌های زندگی روزمره است. هدایت دیگر؛ این گروه از طرح‌واره‌ها بر روی ایده‌هایی متمرکز شده‌اند که فقط نیازها، خواسته‌ها و احساسات از اهمیت برخوردار هستند و منجر به جدایی از دیگران و رد آن‌ها می‌شوند. هوشیاری و مهار بیش از حد، شامل معیارهای غیرواقعی است که بیشتر با تمایل به تمرکز روی شرایط، پیامدها و رفتارهای منفی نسبت به شرایط غیرمترقبه، خروجی و رفتار مرتبط هستند (اردبیلی و گلشنی، ۲۰۱۶).

طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه می‌توانند بر پرخاشگری ارتباطی پنهان زناشویی تأثیر بگذارند. کریک و دوج^۲ (۱۹۹۴) با ارائه الگوی پردازش اطلاعات اجتماعی، نقش ساختارهای ذهنی، به‌ویژه طرح‌واره شناختی را در تنظیم رفتار پرخاشگرانه مهم ارزیابی کرده‌اند. هینسمن^۳ (۱۹۸۸) نیز معتقد است که رفتارهای پرخاشگرانه اعتراض به درونی‌سازی تعداد زیادی از طرح‌واره‌های تهاجمی در ساختار ذهن شخص می‌باشند. طرح‌واره‌های زندگی به عنوان لنز عمل می‌کنند تا فرد را از تجربیات خود تفسیر، انتخاب و ارزیابی کنند. یانگ (۱۹۹۴) معتقد است که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه که به‌عنوان "ساختار یا چارچوبی از مرجع" ذکر شده‌اند، همانند ساختارهای پایدار هستند که بر ادراک شخص از جهان، خود و دیگران تأثیر می‌گذارند. این طرح‌واره‌ها در طول تجربیات کودک شکل می‌گیرد و پاسخ فرد را به رویدادهای محیطی تضعیف می‌کند (یانگ، ۱۹۹۹)؛ بنابراین لازم است که متغیرهای روانشناختی و محیطی مؤثر بر پرخاشگری شناخته شوند. طرح‌واره‌های ناسازگار زیرساخت‌های شناختی، عاطفی و رفتاری است. وقتی طرح‌واره‌ها سطح هیجان را گسترش می‌دهند، مستقیم یا غیرمستقیم منجر به اشکال مختلف اختلالات روانشناختی مانند افسردگی، اضطراب، پرخاشگری، درگیری‌های بین فردی و مانند آن‌ها می‌شوند. طرح‌واره ناسازگار به یک اختلال روانی خاص منتهی نمی‌شود بلکه باعث افزایش حساسیت فرد به اختلالات روانی می‌شود (اردبیلی و گلشنی، ۲۰۱۶).

میکولینسر و همکاران (۲۰۰۱) دریافتند که سبک دلبستگی می‌تواند بر پرخاشگری ارتباطی زناشویی تأثیر بگذارد. سبک‌های دلبستگی با استراتژی‌های مختلفی برای مقابله با درگیری در بین روابط زوجها همراه است (میکولونسر و همکاران، ۲۰۰۱). افراد دارای دلبستگی ایمن از استراتژی‌های سازنده‌تری استفاده می‌کنند، برای یافتن راه‌حل برای مشکلات خود، سخت‌تر کار می‌کنند، از همدلی بیشتری استفاده می‌کنند و در شرایطی که از لحاظ عاطفی تحت تأثیر قرار گرفته است، از دیگران حمایت بیشتری می‌کنند و از پرخاشگری در روابط خود دوری می‌کنند. آن‌ها همچنین بیشتر اوقات سازش می‌کنند، نگرانی بیشتری را برای شرکای خود نشان می‌دهند و از استراتژی‌های یکپارچه‌تر و خودمحورتر استفاده می‌کنند؛ بنابراین، بعید به نظر می‌رسد که یک بزرگسال با سبک دلبستگی ایمن از پرخاشگری ارتباطی برای حل تعارض زناشویی خود استفاده کند. بزرگسالان مضطرب از هر موقعیتی که خواستار همدلی نسبت به دیگری هستند و به نگرانی‌های ناامیدکننده‌ای پاسخ می‌دهند، ناراحت می‌شوند (کلیفورد^۴، ۲۰۱۳). افراد مضطرب هنگام درگیری با دیگران، به احتمال زیاد به استراتژی متوسل می‌شوند که طرف مقابل را ملزم به اجتناب کند یا از درگیری برای جلوگیری از روابط خود با دیگران اجتناب کنند. افراد مضطرب معمولاً درک منفی بسیار بالایی

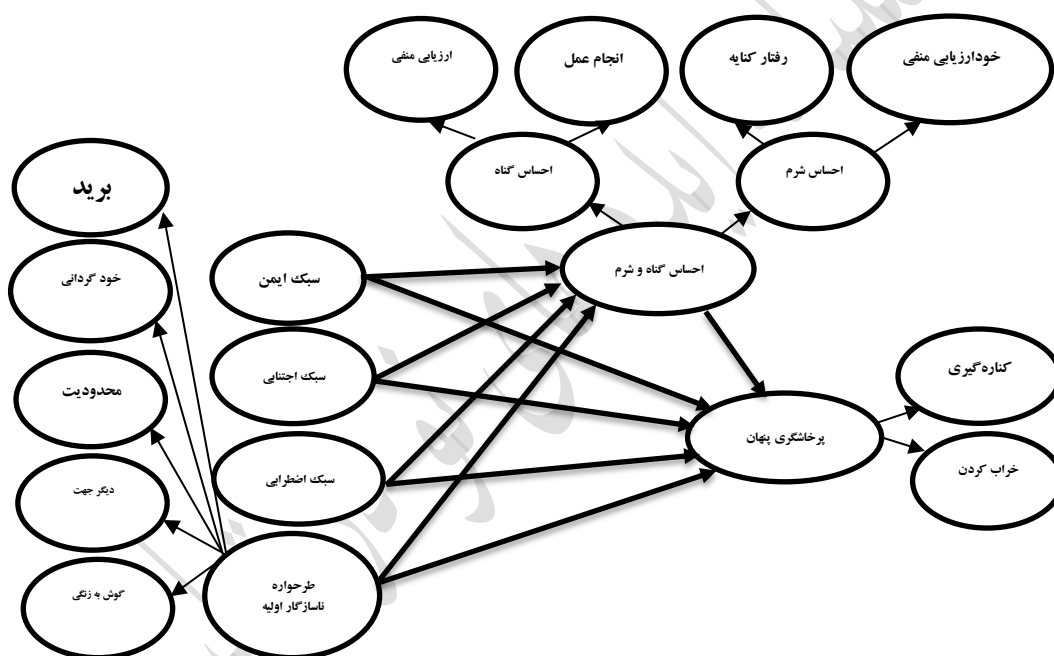
¹ Renner

² Crick & Dodge

³ Huesmann

⁴ Clifford

از منازعه دارند و آن را برای روابط زناشویی‌شان مضر و مخرب می‌دانند؛ بنابراین، افراد مضطرب که ترس از ترک همسر خود دارند، اغلب نمی‌توانند مستقیماً با مشکلات برخورد کنند. بزرگسالان با دلبستگی اجتناب از بروز احساسات اجتناب می‌کنند و برای جلوگیری از هر موقعیتی که ممکن است صمیمی شوند، از راه‌حل‌های پیچیده‌تر فاصله استفاده می‌کنند. عدم رعایت آن‌ها ناشی از تمایل آن‌ها به دیدن دیگران غیرقابل اجتناب است. افراد اجتنابی معمولاً درک منفی از پرخاشگری دارند، احتمالاً به این دلیل که می‌ترسند که درگیری به آن‌ها آسیب برساند. هنگام مواجهه با درگیری، افراد اجتنابی بیشتر به استراتژی‌های مسلط برای حل مسائل متوسل می‌شوند (بن‌آری و هیرشبرگ^۱، ۲۰۰۹) که با دنبال کردن منافع شخصی خود به قیمت تأمین نیازهای دیگران مشخص می‌شوند (کلیفورد، ۲۰۱۳). به‌طور خلاصه، عدم امنیت دلبستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با شرم و گناه و پرخاشگری ارتباطی پنهان زناشویی مرتبط بوده است. تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که مطالعه و اندازه‌گیری رفتارهای خاص که سبک‌های دلبستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه را در روابط زوج تقویت می‌کند کمتر مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین، هدف از این مطالعه بررسی تأثیر سبک‌های دلبستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر پرخاشگری ارتباطی پنهان زناشویی با نقش میانجی شرم و گناه است.



شکل (۱). مدل مفهومی پژوهش

روش پژوهش

پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر سبک‌های دلبستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر پرخاشگری ارتباطی پنهان زناشویی، با در نظر گرفتن نقش میانجی احساس گناه و شرم در زوجین انجام شد. این مطالعه از نوع همبستگی با رویکرد مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) است. جامعه آماری پژوهش شامل زوجین متأهل شهر اهواز بود؛ با توجه به نامحدود بودن جامعه، حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران، ۳۸۴ نفر از طریق روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب گردید. معیارهای ورود به مطالعه شامل رضایت از شرکت، حداقل مدرک دیپلم، سن بین ۲۰ تا ۵۰ سال و حداقل یک سال سابقه زندگی زناشویی بود؛ همچنین داشتن ناسازگاری زناشویی شدید بر اساس اظهارنظر شرکت‌کنندگان، معیار خروج از مطالعه در نظر گرفته شد. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی (کالینز و رید، ۱۹۹۰)، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (یانگ، ۱۹۹۸)، پرخاشگری ارتباطی پنهان زناشویی (نلسون و کارول، ۲۰۰۶) و احساس گناه و شرم (کوهن و همکاران، ۲۰۱۱) بود. داده‌های پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS23 و SmartPLS2 مورد تحلیل قرار گرفت.

¹ Ben-Ari & Hirshberg

ابزار پژوهش

ابزار اصلی جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه است.

مقیاس دلبستگی بزرگسالان^۱: این مقیاس ۱۸ گویه‌ای بر اساس مبانی نظری نظریه دلبستگی توسط کالینز و رید در سال ۱۹۹۰ تهیه شد و در سال ۱۹۹۶ مورد بازنگری قرار گرفت. این مقیاس چگونگی مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه آزمودنی را در مقیاسی لیکرتی ارزیابی می‌کند. به هر سؤال نمره‌ای بر اساس کاملاً مخالفم = ۱ و کاملاً موافقم = ۵ تعلق می‌گیرد. این پرسشنامه دارای سه زیرمقیاس وابستگی، نزدیکی و اضطراب است. زیرمقیاس وابستگی که میزان اطمینان و اتکای آزمودنی را به دیگران نشان می‌دهد شامل سؤال‌های ۱، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴ و ۱۷ است. زیرمقیاس نزدیکی که میزان نزدیکی و صمیمت عاطفی آزمودنی را با دیگران می‌سنجد شامل سؤال‌های ۳، ۴، ۷، ۱۵، ۱۶ و ۱۸ است؛ و زیرمقیاس اضطراب که میزان نگرانی فرد از طرد شدن را ارزیابی می‌کند شامل سؤال‌های ۲، ۵، ۶، ۱۱، ۱۲ و ۱۳ است. آزمودنی بر اساس نمره‌های به‌دست آمده در یکی از انواع سبک‌های دلبستگی ایمن، اضطرابی و اجتنابی جای می‌گیرد. کالینز و رید نشان دادند که نمره‌های زیرمقیاس‌های نزدیک بودن، وابستگی و اضطراب در فاصله زمانی ۲ ماه و حتی در طول ۸ ماه پایدار مانده‌اند. در پژوهش هاشمی و همکاران (۱۳۹۶) ضریب آلفای کرونباخ سبک‌های دلبستگی ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن اضطرابی به‌ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۰ و ۰/۸۷ محاسبه شد. پاکدامن و خانجانی (۱۳۹۰) میزان آلفای کرونباخ را برای هر زیرمقیاس این پرسشنامه در نمونه‌ای از دانشجویان برای دلبستگی ایمن، اجتنابی و اضطرابی به‌ترتیب برابر با ۰/۸۱، ۰/۷۸ و ۰/۸۵ گزارش کردند. در پژوهش حاضر پایایی^۲ پرسشنامه سبک‌های دلبستگی برای هر یک از ابعاد دلبستگی ایمن، دلبستگی نایمن اجتنابی و نایمن اضطرابی با استفاده از روش آلفای کرونباخ به‌ترتیب: ۰/۷۶۳، ۰/۸۲۵ و ۰/۸۷۰ و روایی همگرایی^۳ پژوهش حاضر نیز با استفاده از روش میانگین وارینانس استخراج شده (AVE)^۴ به‌ترتیب: ۰/۳۵۴، ۰/۴۴۲ و ۰/۵۳۲ به‌دست آمد.

فرم کوتاه پرسشنامه‌ی طرحواره‌های ناسازگار اولیه یانگ (YSQ-SF): نسخه کوتاه ۷۵ سؤالی مقیاس طرحواره یانگ توسط جفری یانگ (۱۹۹۸) ساخته شد که ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه را در طیف لیکرت روی یک مقیاس ۵ درجه‌ای از کاملاً درست درباره من = ۵ تا کاملاً غلط درباره من = ۱ ارزیابی می‌کند. این طرحواره‌ها شامل محرومیت هیجانی (سؤال‌های ۱ تا ۵)؛ رهاشدگی/بی‌ثباتی (سؤال‌های ۶ تا ۱۰)؛ بی‌اعتمادی/بدرفتاری (سؤال‌های ۱۱ تا ۱۵)؛ انزوای اجتماعی/بیگانگی (سؤال‌های ۱۶ تا ۲۰)؛ نقص/شرم (سؤال‌های ۲۱ تا ۲۵)؛ شکست (سؤال‌های ۲۶ تا ۳۰)؛ وابستگی/بی‌کفایتی (سؤال‌های ۳۱ تا ۳۵)؛ آسیب‌پذیری نسبت به بیماری (سؤال‌های ۳۶ تا ۴۰)؛ خودتحول نیافته/گرفتار (سؤال‌های ۴۱ تا ۴۵)؛ اطاعت (سؤال‌های ۴۶ تا ۵۰)؛ فداکاری (سؤال‌های ۵۱ تا ۵۵)؛ بازداری هیجانی (سؤال‌های ۵۶ تا ۶۰)؛ معیارهای سرسختانه/بیش انتقادی (سؤال‌های ۶۱ تا ۶۵)؛ استحقاق/بزرگ‌منشی (سؤال‌های ۶۶ تا ۷۰) و خویش‌نمندی/خودکنترلی ناکافی (سؤال‌های ۷۱ تا ۷۵) هستند. حوزه‌های طرحواره‌های شامل ۱. بریدگی و طرد (رهاشدگی/بی‌ثباتی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، محرومیت هیجانی، نقص/شرم، انزوای اجتماعی/بیگانگی)؛ ۲. خودگردانی و عملکرد مختل (وابستگی/بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر و بیماری، خودتحول نیافته/گرفتار، شکست)؛ ۳. محدودیت‌های مختل (استحقاق/بزرگ‌منشی، خویش‌نمندی و خودانضباطی ناکافی)؛ ۴. دیگرجهت‌مندی (اطاعت، ایثار، پذیرش-جویی/جلب توجه)؛ و ۵. گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری (منفی‌گرایی/بدبینی، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه/عیب‌جویی، تنبیه) است (یانگ و همکاران، ۲۰۰۳؛ نقل از نظری و همکاران، ۱۳۹۴). اسمیت، جونز، و یانگ و تلج (۱۹۹۵) آلفای کرونباخ این مقیاس را به‌عنوان شاخصی از همسانی درونی در جمعیت غیربالینی برای خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۵۰ تا ۰/۸۲ به‌دست آوردند و نشان دادند این پرسشنامه با مقیاس‌های پریشانی روانشناختی و اختلال‌های شخصیت، روایی همگرا و افتراقی خوبی دارد. هنجاریابی این مقیاس در ایران توسط آهی، محمدی‌فر و بشارت (۱۳۸۶) در دانشگاه تهران انجام و آلفای کرونباخ آن در جمعیت مؤنث ۰/۹۷، در جمعیت مذکر ۰/۹۸ و در کل ۰/۹۰ گزارش شد. آلفای کرونباخ پرسشنامه نسخه کوتاه طرحواره‌های یانگ در پژوهش نظری و همکاران برای بریدگی و طرد ۰/۸۶، خودگردانی و عملکرد مختل ۰/۷۵، دیگر جهت‌مندی ۰/۶۷، گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری ۰/۷۶ و محدودیت‌های مختل ۰/۷۸ گزارش شد. در پژوهش حاضر پایایی

¹ Adult Attachment Scale

² Reliability

³ Composite Reliability

⁴ Convergent Validity

⁵ Average Varince

⁶ Young Schema Questionnaire-Short Form

پرسشنامه نسخه کوتاه طرح‌واره‌های یانگ برای هر یک از حوزه‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگر جهت‌مندی و گوش به‌زنگی بیش از حد و بازداری و کل طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با استفاده از روش آلفای کرونباخ به‌ترتیب: $0/894$ ، $0/888$ ، $0/759$ ، $0/811$ ، $0/738$ و $0/934$ ؛ و با روش پایایی ترکیبی به‌ترتیب: $0/908$ ، $0/905$ ، $0/827$ ، $0/852$ ، $0/806$ و $0/939$ ؛ و روایی پژوهش حاضر نیز با استفاده از روش میانگین‌وارینانس استخراج شده به‌ترتیب: $0/328$ ، $0/355$ ، $0/365$ ، $0/375$ ، $0/318$ و $0/387$ به‌دست آمد.

مقیاس احساس شرم و گناه^۱: ابزار اندازه‌گیری احساس شرم در مقیاس کوهن، وولف، پنتر و اینسکو (۲۰۱۱) بوده که دارای ۱۶ گویه است. در این مقیاس سناریوهایی در مورد موقعیت‌هایی که افراد در زندگی روزمره با آن‌ها مواجه می‌شوند و واکنش‌های آن‌ها به این موقعیت‌ها ارائه می‌شود. سپس از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شود خود را در آن موقعیت تصور کرده و میزان احتمال واکنش خود را در این شرایط بر روی یک مقیاس پنج‌درجه‌ای (اصلاً=۱ تا خیلی زیاد=۵) مشخص کنند. تحلیل عامل توسط سازندگان مقیاس نشان می‌دهد که احساس گناه دارای دو زیرمقیاس ارزیابی منفی شامل سؤال‌های ۱، ۹، ۱۴ و ۱۶ و انجام عمل جبرانی به‌دنبال تخلف فرد شامل سؤال‌های ۲، ۱۵، ۱۱ و ۱۵ است؛ و احساس شرم متشکل از دو زیرمقیاس‌های خود ارزیابی منفی شامل سؤال‌های ۳، ۶، ۱۰ و ۱۳ و رفتار کناره‌جویانه به‌دنبال افشای عمومی تخلف شامل سؤال‌های ۴، ۷، ۸ و ۱۲ است. کوهن و همکاران (۲۰۱۱) نشان داده‌اند گرچه همبستگی زیادی بین زیرمقیاس‌های احساس گناه وجود دارد، ارتباط زیرمقیاس‌های شرم با یکدیگر ضعیف است. آن‌ها در دو بررسی جداگانه ضرایب مطلوبی بین $0/61$ و $0/71$ را برای زیرمقیاس‌های این مقیاس به‌دست آوردند. جوکار و کمالی (۱۳۹۴) ضریب آلفای کرونباخ احساس شرم را برابر با $0/51$ و برای احساس گناه را $0/83$ و هاشمی و همکاران (۱۳۹۶) برای احساس شرم را $0/79$ و برای احساس گناه $0/82$ گزارش کرده‌اند. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه احساس گناه برای هر یک از ابعاد ارزیابی منفی و انجام عمل جبرانی به‌دنبال تخلف فرد و کل احساس گناه با استفاده از روش آلفای کرونباخ به‌ترتیب: $0/617$ ، $0/607$ و $0/735$ ؛ و با روش پایایی ترکیبی به‌ترتیب: $0/777$ ، $0/775$ و $0/812$ و روایی پژوهش حاضر نیز با استفاده از روش میانگین‌وارینانس استخراج شده به‌ترتیب: $0/466$ ، $0/470$ و $0/353$ به‌دست آمد. همچنین پایایی پرسشنامه احساس شرم برای هر یک از ابعاد خودارزیابی منفی و رفتار کناره‌جویانه به‌دنبال افشای عمومی تخلف و کل احساس شرم با استفاده از روش آلفای کرونباخ به‌ترتیب: $0/711$ ، $0/692$ و $0/718$ ؛ و با روش پایایی ترکیبی به‌ترتیب: $0/821$ ، $0/829$ و $0/802$ و روایی پژوهش حاضر نیز با استفاده از روش میانگین‌وارینانس استخراج شده به‌ترتیب: $0/526$ ، $0/618$ و $0/368$ به‌دست آمد. همین‌طور مقدار آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و میانگین‌وارینانس استخراج شده برای کل پرسشنامه احساس گناه و شرم به‌ترتیب: $0/830$ ، $0/862$ و $0/301$ به‌دست آمد.

مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان (CRAV)^۲: نلسون و کارول (۲۰۰۶)، مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان را برای سنجش کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه اجتماعی در روابط زوجین ساختند که نسخه اصلاح‌شده‌ای از پرسشنامه خودگزارشی پرخاشگری مورالس و کریک (۱۹۹۸) و مقیاس روابط عاشقانه بزرگسالان لیندر، کریک و کالینز (۲۰۰۲) است. مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان ۱۲ گویه (هر زیرمقیاس ۶ گویه) دارد. زیرمقیاس کناره‌گیری عاطفی شامل گویه‌های ۱ تا ۶ و زیرمقیاس خراب کردن وجهه اجتماعی شامل گویه‌های ۷ تا ۱۲ است. مقیاس CRAS بر حسب پاسخ‌های ۱ تا ۵ درجه‌ای (از خیلی کم=۱ تا خیلی زیاد=۵) نمره‌گذاری شده است. کارول و همکاران (۲۰۱۰) ضریب آلفای کرونباخ نمرات کناره‌گیری عاطفی را برای شوهران $0/90$ و برای همسران $0/86$ و همچنین آلفای کرونباخ خراب کردن وجهه اجتماعی را برای شوهران $0/88$ و برای همسران $0/90$ گزارش کرده‌اند. منگ (۲۰۱۳) نیز نتایج مشابهی را برای اعتباریابی مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان گزارش کرده است. در پژوهش نتایج حاصل از ضریب آلفای کرونباخ $0/85$ به‌دست آمد. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه پرخاشگری ارتباطی پنهان برای هر یک از ابعاد کناره‌گیری عاطفی، خراب کردن وجهه اجتماعی و کل مقیاس پرخاشگری ارتباطی پنهان با استفاده از روش آلفای کرونباخ به‌ترتیب: $0/709$ ، $0/739$ و $0/716$ ؛ و با روش پایایی ترکیبی به‌ترتیب: $0/857$ ، $0/844$ و $0/884$ و روایی پژوهش حاضر نیز با استفاده از روش میانگین‌وارینانس استخراج شده به‌ترتیب: $0/525$ ، $0/416$ و $0/394$ به‌دست آمد.

¹ Shame Proneness Scale

² Self-Report of Aggression and Victimization

یافته‌ها

در جدول (۱) یافته‌های توصیفی مربوط به میانگین، انحراف معیار، کمترین، بیشترین، چولگی، کشیدگی متغیرهای پژوهش گزارش شده است.

جدول ۱. وضعیت توصیفی متغیرها

متغیر	مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	چولگی	کشیدگی
سبک‌های دلبستگی	سبک دلبستگی ایمن	۲۴/۷۴	۲/۶۹	۱۸	۳۰	-۰/۲۰۸	-۰/۵۶۹
	سبک دلبستگی اجتنابی	۱۱/۰۵	۲/۸۳	۶	۱۸	-۰/۰۰۴	-۰/۲۱۹
	سبک دلبستگی اضطرابی	۱۱/۸۵	۳/۰۰	۶	۱۶	-۰/۱۸۷	-۰/۲۱۲
	بریدگی و طرد	۵۴/۸۴	۱۰/۵۲۲	۳۸	۸۷	-۰/۳۳۰	-۰/۳۴۹
طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه	محدودیت‌های مختل	۴۲/۲۴	۸/۵۸۲	۲۳	۶۰	-۰/۱۲۱	-۰/۱۲۷
	دیگر جهت‌مندی	۲۱/۳۶	۴/۵۳۹	۱۱	۳۲	-۰/۳۶۷	-۰/۲۱۰
	گوش‌بازنگی بیش از حد و بازاری	۱۸/۶۷	۴/۴۹۶	۱۰	۳۵	-۰/۴۷۳	۱/۲۵۴
	کل	۱۹/۰۹	۳/۱۹۴	۱۲	۲۹	-۰/۰۸۷	-۰/۵۳۶
احساس گناه و شرم	ارزبابی منفی	۷/۳۹	۲/۰۴۴	۴	۱۵	-۰/۱۹۴	-۰/۰۱۷
	انجام عمل جبرانی به دنبال تخلف فرد	۷/۸۲	۲/۱۳۴	۴	۱۵	-۰/۴۰۰	-۰/۹۷۸
	احساس گناه	۱۵/۳۱	۲/۶۳۶	۸	۲۷	-۰/۵۳۹	-۰/۷۳۰
	خودارزبابی منفی	۷/۲۵	۲/۶۲۲	۴	۱۲	-۰/۱۳۲	-۰/۶۸۲
پرخاشگری ارتباطی پنهان	رفتار کنایه‌جویانه به دنبال افشای عمومی تخلف	۷/۹۰	۲/۱۲۴	۴	۱۴	-۰/۳۹۹	-۰/۵۴۳
	احساس شرم	۱۵/۱۵	۳/۸۷	۸	۲۶	-۰/۳۴۵	-۰/۰۶۶
	کل	۳۰/۴۶	۶/۷۰۷	۱۷	۵۱	-۰/۲۵۱	-۰/۸۷۵
	کناره‌جویی عاطفی	۱۲/۲۵	۲/۴۲۲	۷	۱۷	-۰/۱۱۱	-۰/۴۸۹
پرخاشگری ارتباطی پنهان	خراب کردن وجه اجتماعی	۱۲/۵۶	۲/۱۹۵	۷	۲۰	-۰/۳۰۳	-۰/۴۶۷
	کل	۲۴/۸۰	۳/۸۰۰	۱۴	۳۶	-۰/۰۱۴	-۰/۳۳۸

بر اساس نتایج جدول (۱)، میانگین سبک دلبستگی ایمن ۲۴/۲۴، سبک دلبستگی اجتنابی ۱۱/۰۵، سبک دلبستگی اضطرابی ۱۱/۸۵، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه ۱۵۶/۱۹، احساس گناه و شرم ۳۰/۴۶ و پرخاشگری ارتباطی پنهان ۲۴/۸۰ شده است. همچنین توزیع چولگی متغیرهای پژوهش در سطح خطای ۰/۱۲۵ و کشیدگی در سطح خطای ۰/۲۴۸ نرمال می‌باشد؛ بنابراین از آزمون پارامتریک استفاده می‌شود. در پژوهش حاضر برای بررسی همبستگی دورنی متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول (۲) گزارش شده است.

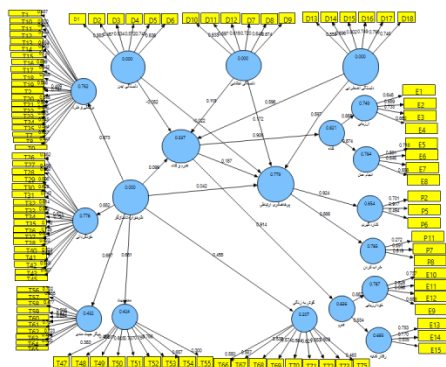
جدول ۲. آزمون همبستگی دورنی متغیرهای پژوهش

ردیف	متغیر	۱	۲	۳	۴	۵
۱	سبک دلبستگی ایمن	۱				
۲	سبک دلبستگی اجتنابی	-۰/۵۶۰**	۱			
۳	سبک دلبستگی اضطرابی	-۰/۴۹۶**	۰/۶۰۱**	۱		
۴	طرح‌واره‌های ناسازگار	-۰/۳۱۳**	۰/۲۱۷**	۰/۲۱۷**	۱	
۵	احساس گناه و شرم	-۰/۴۴۰**	-۰/۵۰۵**	۰/۶۵۹**	۰/۲۵۹**	۱
۶	پرخاشگری ارتباطی پنهان	-۰/۵۶۳**	۰/۴۶۹**	۰/۶۸۹**	۰/۵۶۳**	۰/۶۰۸**

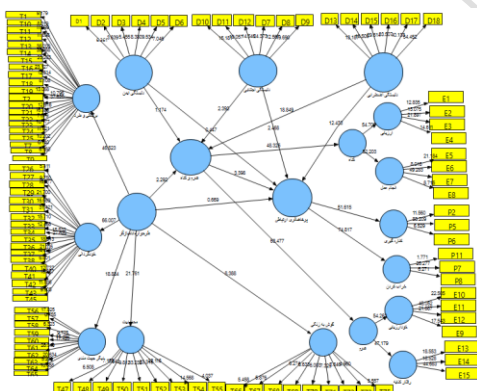
** همبستگی در سطح ۰/۰۰۰

طبق نتایج جدول (۲) سبک دلبستگی ایمن با مقدار $(I = -0/440)$ با احساس گناه و شرم رابطه معکوس و منفی دارد. سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی اضطرابی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه به ترتیب: $(I = 0/505)$ ، $(I = 0/659)$ و $(I = 0/259)$ با احساس گناه و شرم رابطه‌ی مستقیم و مثبت دارند. سبک دلبستگی ایمن با مقدار $(I = -0/563)$ با پرخاشگری ارتباطی پنهان رابطه معکوس و منفی دارد. سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی اضطرابی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و احساس گناه و شرم به ترتیب: $(I = 0/469)$ ، $(I = 0/689)$ ، $(I = 0/563)$ و $(I = 0/608)$ با پرخاشگری ارتباطی پنهان رابطه‌ی مستقیم و مثبت دارند.

مدلسازی معادلات ساختاری: به منظور تحلیل داده‌های پژوهش و استنباط آماری از نرم‌افزار Smart PLS جهت تحلیل‌های مدل مفهومی و بررسی فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است. ابتدا مدل پژوهش در نرم‌افزار Smart PLS اجرا گردید و سؤالاتی که بار عاملی کمتر از ۰/۵ داشتند از مدل حذف شدند (۸ سؤال از طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، یک سؤال از احساس گناه و شرم و ۶ سؤال از پرخاشگری ارتباطی پنهان) و مدل مجدداً در نرم‌افزار اجرا گردید که در ادامه گزارش شده‌اند.



شکل ۲. مدل اندازه‌گیری انعکاسی اصلاح‌شده در حالت بارهای عاملی در نرم‌افزار Smart PLS



شکل ۳. مدل اندازه‌گیری انعکاسی اصلاح‌شده در حالت سطح معناداری در نرم‌افزار Smart PLS

در اصلاح مدل با توجه به شکل (۲) بار عاملی تمام سؤالات بالاتر از ۰/۵ و همچنین با توجه به شکل (۳) تمام ضرایب t سؤالات از ۱/۹۶ بیشتر می‌باشد. معیار cv.com قدرت پیش‌بینی مدل اندازه‌گیری و معیار Q^2 (Cv.Red) قدرت پیش‌بینی مدل ساختاری در مورد یک سازه درون‌زا را مشخص می‌سازند که با سه مقدار ۰/۰۲ (ضعیف)، ۰/۱۵ (متوسط) و ۰/۳۵ (قوی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. معیار R^2 یا R Squares نشان از تأثیر یک متغیر برون‌زا بر یک متغیر درون‌زا دارد و با سه مقدار ۰/۱۹ (ضعیف)، ۰/۳۳ (متوسط) و ۰/۶۷ (قوی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

جدول ۳. نتایج برازش متغیرهای پنهان پژوهش

متغیر	مؤلفه‌ها	Q2	cv.com	R2	Communality
سبک‌های دلبستگی	سبک دلبستگی ایمن	۰/۲۵۴	۰/۲۵۴	-	۰/۲۵۴
	سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۴۴۲	۰/۴۴۲	-	۰/۴۴۲
	سبک دلبستگی اضطرابی	۰/۵۳۲	۰/۵۳۲	-	۰/۵۳۲
طرحواره‌های ناسازگار اولیه	بردیگی و طرد	۰/۲۴۶	۰/۳۲۸	-	۰/۳۲۸
	خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۲۷۰	۰/۳۵۵	-	۰/۳۵۵
	محدودیت‌های مختل	۰/۱۴۰	۰/۳۶۵	-	۰/۳۶۵
	دیگر جهت‌مندی	۰/۱۵۴	۰/۳۷۵	-	۰/۳۷۵
احساس گناه و شرم	گوش بدنزنگی بیش از حد	۰/۲۶۰	۰/۳۱۸	-	۰/۳۱۸
	کل	۰/۱۸۷	۰/۱۸۷	-	۰/۳۸۷
	ارزیابی منفی	۰/۳۴۷	۰/۴۶۶	۰/۷۴۸	۰/۴۶۶
	انجام عمل جبرانی	۰/۳۶۷	۰/۴۹۲	۰/۷۶۴	۰/۴۷۰
	احساس گناه	۰/۲۸۸	۰/۳۶۲	۰/۸۲۱	۰/۳۵۳
	خودارزیابی منفی	۰/۳۹۲	۰/۵۵۳	۰/۷۸۷	۰/۵۳۶
	رفتار کتابه‌جویانه	۰/۴۱۴	۰/۶۴۱	۰/۶۹۵	۰/۶۱۸
پرخاشگری ارتباطی پنهان	احساس شرم	۰/۲۹۲	۰/۳۵۸	۰/۸۳۶	۰/۴۶۸
	کل	۰/۱۵۴	۰/۲۹۹	۰/۵۲۷	۰/۳۰۱
	کناره‌جویی عاطفی	۰/۴۴۳	۰/۵۰۷	۰/۸۵۳	۰/۵۲۵
	خراب کردن وجهه اجتماعی	۰/۲۸۵	۰/۴۲۲	۰/۷۸۴	۰/۴۱۶
	کل	۰/۱۴۹	۰/۱۹۲	۰/۷۷۹	۰/۳۹۴

مقدار CV.COM برای متغیرهای سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی اضطرابی، طرح‌های ناسازگار اولیه، احساس گناه و شرم و پرخاشگری ارتباطی پنهان به ترتیب: ۰/۳۵۴، ۰/۴۴۲، ۰/۵۳۲، ۰/۱۸۷، ۰/۲۹۹ و ۰/۱۹۲ شد که قوی می‌باشد؛ بنابراین برازش مناسب مدل اندازه‌گیری (cv.com) تأیید می‌شود. مقدار Q^2 برای متغیر سبک دلبستگی ایمن، سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی اضطرابی، طرح‌های ناسازگار اولیه، احساس گناه و شرم و پرخاشگری ارتباطی پنهان به ترتیب: ۰/۳۵۴، ۰/۴۶۲، ۰/۵۳۲، ۰/۱۸۷، ۰/۱۵۴ و ۰/۱۴۹ شد که مناسب ارزیابی می‌شود؛ بنابراین برازش مدل ساختاری (cv.Red) تأیید می‌شود. همچنین مقدار R^2 برای متغیر درون‌زای احساس شرم و گناه ۰/۵۳۷ شده است که متوسط ارزیابی می‌شود و برای متغیر پرخاشگری ارتباطی پنهان ۰/۷۷۹ شده است که قوی ارزیابی می‌شود.

آزمون فورنل - لارکر: آزمون فورنل - لارکر رویکرد محافظه‌کارانه برای سنجش روایی و اگر (افتراقی)^۱ است. این معیار ریشه‌ی دوم مقدار AVE را با همبستگی میان متغیرهای مکنون مقایسه می‌کند. در صورتی پژوهش روایی و اگرایی قابل قبولی دارد که اعداد مندرج در قطر اصلی از مقادیر زیرین و کناری (طول و عرض) خود بیشتر باشند.

جدول ۴. آزمون فورنل - لارکر

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱ سبک دلبستگی اجتنابی	۰/۶۶۵					
۲ سبک دلبستگی اضطرابی	-۰/۵۹۶	۰/۷۳۰				
۳ سبک دلبستگی ایمن	-۰/۵۰۲	-۰/۵۱۱	۰/۵۹۴			
۴ احساس شرم و گناه	-۰/۵۲۵	-۰/۵۱۳	-۰/۴۶۰	۰/۵۴۹		
۵ طرح‌های ناسازگار اولیه	-۰/۲۰۸	-۰/۲۰۵	-۰/۲۲۱	-۰/۲۶۲	۰/۶۲۲	
۶ پرخاشگری ارتباطی پنهان	-۰/۶۰۸	-۰/۶۰۳	-۰/۵۳۱	-۰/۵۲۸	-۰/۲۵۷	۰/۶۲۸

با توجه به نتایج، می‌توان اظهار داشت که سازه‌ها (متغیرهای مکنون) در مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با سازه‌های دیگر، به بیان دیگر روایی و اگرایی مدل در حد مناسبی است.

آزمون اندازه اثر (f^2): برای ارزیابی این که آیا سازه‌ی حذف‌شده اثر قابل توجهی بر سازه‌های درون‌زا دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد که با مقادیر: ۰/۰۲ (ضعیف)، ۰/۱۵ (متوسط) و ۰/۳۵ (قوی) ارزیابی می‌شود که از فرمول زیر محاسبه می‌گردد.

$$f^2 = \frac{R^2_{included} - R^2_{excluded}}{1 - R^2_{included}}$$

R^2 Included: متغیر مکنون درون‌زا هنگامی که متغیر مکنون برون‌زای انتخاب‌شده، در مدل است.

R^2 Excluded: متغیر مکنون درون‌زا هنگامی که متغیر مکنون برون‌زای انتخاب‌شده، از مدل حذف شده است.

جدول ۵. مقادیر آزمون اندازه اثر

متغیر	اندازه اثر	احساس گناه و شرم	پرخاشگری ارتباطی پنهان
سبک دلبستگی ایمن	R^2 Included	-۰/۵۲۷	-۰/۷۷۹
	R^2 Excluded	-۰/۵۳۶	-۰/۷۷۸
	f^2	۰/۰۰۲	۰/۰۰۴
سبک دلبستگی اجتنابی	R^2 Included	-۰/۵۲۷	-۰/۷۷۹
	R^2 Excluded	-۰/۵۳۰	-۰/۷۶۸
	f^2	۰/۰۱۵	۰/۰۴۹
سبک دلبستگی اضطرابی	R^2 Included	-۰/۵۲۷	-۰/۷۷۹
	R^2 Excluded	-۰/۲۲۲	-۰/۶۴۶
	f^2	۰/۴۶۴	۰/۶۴۷
طرح‌های ناسازگار اولیه	R^2 Included	-۰/۵۲۷	-۰/۷۷۹
	R^2 Excluded	-۰/۵۲۹	-۰/۷۷۷
	f^2	۰/۰۱۷	۰/۰۰۹

با توجه به نتایج جدول (۵) در نرم‌افزار PLS زمانی که متغیر برون‌زای سبک دلبستگی ایمن از مدل حذف می‌شود اندازه اثر سازه‌ی متغیرهای دورن‌زای احساس گناه و شرم ۰/۰۰۲ (ضعیف) و پرخاشگری ارتباطی پنهان ۰/۰۰۴ (ضعیف) می‌شود. زمانی که متغیر برون‌زای سبک دلبستگی اجتنابی از مدل حذف می‌شود اندازه اثر سازه‌ی متغیرهای دورن‌زای احساس گناه و شرم ۰/۰۱۵ (ضعیف) و پرخاشگری ارتباطی پنهان ۰/۰۴۹ (ضعیف) می‌شود. زمانی که متغیر برون‌زای سبک دلبستگی اضطرابی از مدل حذف می‌شود اندازه اثر سازه‌ی متغیرهای دورن‌زای احساس گناه و شرم ۰/۴۶۴ (متوسط) و پرخاشگری ارتباطی پنهان ۰/۶۴۷ (متوسط) می‌شود.

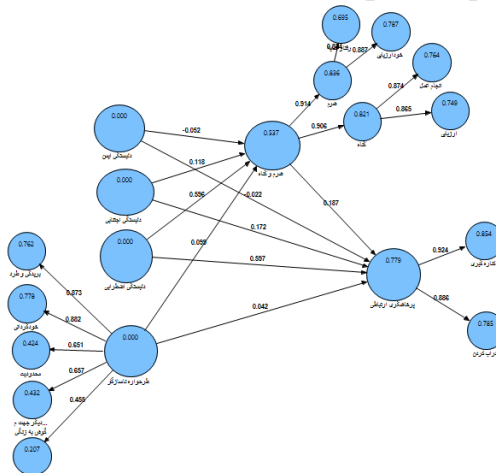
¹ Divergent Validity

شرم ۰/۴۶۴ (قوی) و پرخاشگری ارتباطی پنهان ۰/۶۴۷ (قوی) می‌شود. زمانی که متغیر برون‌زای طرحواره‌های ناسازگار اولیه از مدل حذف می‌شود اندازه اثر سازه‌ی متغیرهای دورن‌زای احساس گناه و شرم ۰/۰۱۷ (ضعیف) و پرخاشگری ارتباطی پنهان ۰/۰۰۹ (ضعیف) می‌شود. معیار ^۱GOF (برازش کلی مدل): هر دو بخش مدل اندازه‌گیری و ساختاری را کنترل می‌کند که با سه مقدار ۰/۰۱ (ضعیف)، ۰/۲۵ (متوسط) و ۰/۳۶ (قوی) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. این معیار از طریق فرمول زیر محاسبه می‌گردد:

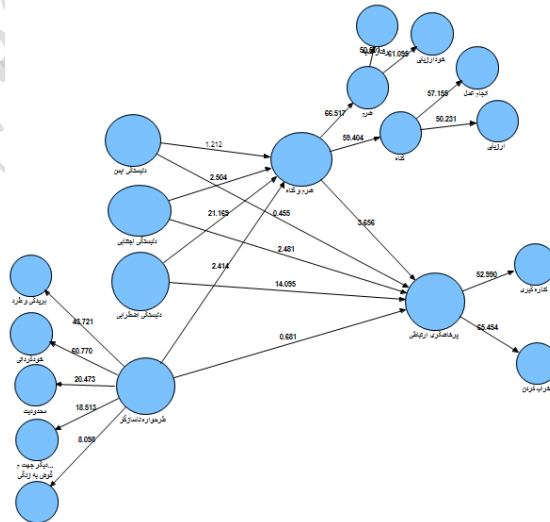
$$GOF = \sqrt{\text{communalities} \times R^2}$$

$$GOF = \sqrt{0.401 \times 0.658} = 0.513$$

با توجه به مقدار به‌دست آمده برای GOF به میزان ۰/۵۱۳، برازش بسیار قوی مدل کلی تأیید می‌شود. ارزیابی مدل ساختاری: الگوی نهایی ساختاری مدل پژوهش در ادامه گزارش شده است، و بر اساس آن‌ها فرضیه‌های پژوهش مورد بررسی قرار گرفته‌اند.



شکل ۴. مدل ساختاری در حالت ضرایب مسیر در نرم‌افزار Smart PLS



شکل ۵. مدل ساختاری در حالت سطح معناداری در نرم‌افزار Smart PLS

¹ Goodness of Fit

جدول ۶. نتایج فرضیه‌های پژوهش

نتیجه	سطح معناداری		ضریب مسیر		جهت فرضیه‌ها
	غیر مستقیم	مستقیم	غیر مستقیم	مستقیم	
رد	۳/۶۵۶	۱/۲۱۲	-۰/۱۸۷	-۰/۰۵۲	سبک دلبستگی ایمن <-->
تأیید	۳/۶۵۶	۲/۵۰۴	-۰/۱۸۷	-۰/۱۱۸	سبک دلبستگی اجتنابی <-->
تأیید	۳/۶۵۶	۲۱/۱۶۹	-۰/۱۸۷	-۰/۵۹۶	سبک دلبستگی اضطرابی <-->
تأیید	۳/۶۵۶	۲/۴۱۴	-۰/۱۸۷	-۰/۰۹۹	طرح‌های ناسازگار اولیه <-->
رد	-	۱/۲۱۲	-	-۰/۰۵۲	سبک دلبستگی ایمن <-->
تأیید	-	۲/۵۰۴	-	-۰/۱۱۸	سبک دلبستگی اجتنابی <-->
تأیید	-	۲۱/۱۶۹	-	-۰/۵۹۶	سبک دلبستگی اضطرابی <-->
تأیید	-	۲/۴۱۴	-	-۰/۰۹۹	طرح‌های ناسازگار اولیه <-->
رد	-	۰/۴۵۵	-	-۰/۰۲۲	سبک دلبستگی ایمن <-->
تأیید	-	۲/۴۸۱	-	-۰/۱۷۳	سبک دلبستگی اجتنابی <-->
تأیید	-	۱۴/۰۵۵	-	-۰/۵۹۷	سبک دلبستگی اضطرابی <-->
رد	-	۰/۶۸۱	-	-۰/۰۴۲	طرح‌های ناسازگار اولیه <-->
تأیید	-	۳/۶۵۶	-	-۰/۱۸۷	احساس شرم و گناه <-->

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر سبک‌های دلبستگی و طرح‌های ناسازگار اولیه بر پرخاشگری ارتباطی پنهان زناشویی با نقش میانجی احساس گناه و شرم در زوجین بود.

نتایج حاصل از همبستگی پیرسون نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با احساس گناه و شرم و پرخاشگری ارتباطی پنهان رابطه معکوس و منفی دارد. سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی اضطرابی و طرح‌های ناسازگار اولیه با احساس گناه و شرم و پرخاشگری ارتباطی پنهان رابطه‌ی مستقیم و مثبت دارند. همچنین احساس گناه و شرم با پرخاشگری ارتباطی پنهان رابطه‌ی مستقیم و مثبت دارند.

در بررسی مدل مفهومی پژوهش حاضر نتایج نشان داد که متغیر احساس گناه و شرم نقش متغیر میانجی بین متغیرهای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی، اضطرابی و طرح‌های ناسازگار اولیه بر پرخاشگری ارتباطی پنهان تأثیر دارند؛ و سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی، اضطرابی، طرح‌های ناسازگار اولیه و احساس گناه و شرم بر پرخاشگری ارتباطی پنهان تأثیر دارند. این نتایج با یافته‌های این پژوهش‌های موریس^۱ و همکاران (۲۰۱۴)، توماس - تولیتینو^۲ (۲۰۱۰)، گروس و هانسن^۳ (۲۰۰۰) همسو بود. این تحقیقات نشان دادند که سبک‌های دلبستگی نایمن با شکل‌گیری احساس گناه و شرم در افراد، رابطه‌ی معناداری دارد. به‌عنوان مثال، موریس و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که افراد دارای سبک دلبستگی نایمن نسبت به افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، سطوح بالاتری از شرم و انواع ناسازگاران گناه را نشان داده‌اند.

اما تأثیر نداشتن دلبستگی اجتنابی بر احساس شرم در مدل مفهومی با نتیجه تحقیق کلیفورد^۴ (۲۰۱۳) همسو نیست. علت همسو نبودن این نتایج، این است که کلیفورد (۲۰۱۳) در نتایج تحقیق خود درباره‌ی رابطه‌ی دلبستگی اجتنابی و احساس شرم، شاخص همبستگی پیرسون را ملاک قرار داده است. همان‌طور که گفته شد در تحقیق حاضر نیز نتایج همبستگی پیرسون، حاکی از وجود رابطه‌ی معنادار بین سبک دلبستگی اجتنابی و احساس شرم است، اما به‌دلیل ترکیب وزنی که در مدلسازی معادلات ساختاری برقرار می‌شود، وجود همبستگی درون متغیری بین سبک‌های دلبستگی و بالا بودن رابطه‌ی سبک دلبستگی ایمن و اضطرابی با احساس گناه و شرم نسبت به سبک‌های دلبستگی اجتنابی، باعث شده است که در رابطه با احساس گناه و شرم معنادارتر باشند. در تبیین این نتایج فرضیه‌های پژوهش می‌توان بیان داشت که گناه و شرم نیز مانند دلبستگی، یک مدل فعال درونی است که تحت تأثیر جو خانوادگی فرد در اوایل دوران کودکی بوده و اغلب در نتیجه‌ی بدرفتاری و تربیت غلط در دوران کودکی، توسعه می‌یابد (فرینگ و تاسکا^۵، ۲۰۰۵). برخی از محققان، شرم را به‌عنوان عاطفه‌ی دلبستگی با عاطفه بین فردی تلقی و به آن توجه کرده‌اند و معتقدند زمانی رخ می‌دهد که پیوند ارتباطی، مختل شده و از هم‌گسیخته شود. به‌طور کلی توجه مثبت و منفی به خود که در شکل‌گیری دلبستگی ایمن و نایمن اضطرابی نقش مؤثری دارد (گروس و هانسن، ۲۰۰۰) می‌تواند خودسرزندی دردناک، احساس بی-ارزشی کردن را در افراد دارای احساس شرم تبیین کند (مایلز^۶، ۲۰۰۵). به نظر می‌رسد با توجه به این که افراد دارای دلبستگی ایمن، دیدگاه

¹ Muris

² Tomas-Tolentino

³ Gross & Hansen

⁴ Clifford

⁵ Feiring & Taska

⁶ Mills

مثبتی به خود و دیگران دارند، به میزان اضطراب کمتری دچار می‌شوند، منطقی است که گفته شود، آشفتگی‌های کمتری را تجربه می‌کنند و کمتر خود را سرزنش می‌کنند، اما با توجه به خصوصیات درونی افراد دارای دلبستگی اضطرابی و فرد مستعد گناه و شرم ناسالم، می‌توان گفت که افراد وقتی نسبت به خود، دیدگاه منفی و نسبت به دیگران دیدگاه مثبتی داشته باشند، سعی بر این دارند که دیگران را از خود راضی نگه دارند و ارتباط مداومی را برقرار کنند، اضطرابی که در پی این وضعیت ایجاد می‌شود، به وابستگی آن‌ها به دیگران می‌افزاید و در نتیجه در برخورد با وضعیت‌های بحرانی، خود را مقصر دانسته و مدام به سرزنش خود دست می‌زند و به نظر می‌رسد تحت چنین شرایطی احساس گناه و شرم و خودتنبه‌ی ایجاد شود که به صورت پنهان باعث می‌شود فرد به دیگران بیشتر وابسته شود.

نتایج حاصل از همبستگی پیرسون نشان داد که سبک دلبستگی ایمن با پرخاشگری ارتباطی پنهان رابطه معکوس و منفی دارد. سبک دلبستگی اجتنابی، سبک دلبستگی اضطرابی با پرخاشگری ارتباطی پنهان رابطه‌ی مستقیم و مثبت دارند. در بررسی مدل مفهومی پژوهش حاضر نتایج نشان داد که متغیر احساس گناه و شرم نقش متغیر میانجی بین متغیرهای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی، اضطرابی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با پرخاشگری ارتباطی پنهان را دارد. سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی، اضطرابی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بر پرخاشگری ارتباطی پنهان تأثیر دارند؛ و سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی، اضطرابی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و احساس گناه و شرم بر پرخاشگری ارتباطی پنهان تأثیر دارند. یافته‌های مختلفی به بررسی رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و ارتکاب به خشونت و پرخاشگری پرداخته‌اند (بوک‌والا و زدانیوک^۱، ۲۰۰۲) که اکثر آن‌ها حاکی از ارتباط بین نایمینی در دلبستگی و روی آوردن به انواع پرخاشگری بوده است. لیندر^۲ و همکاران (۲۰۰۲) دریافتند که پرخاشگری ارتباطی با فقدان ویژگی‌های ارتباطی مثبت همچون احساس امنیت و اعتماد که دو مؤلفه‌ی اساسی در دلبستگی هستند و پیامدهای منفی همچون بی‌اعتمادی، حسادت، ناکامی و ادراک منفی از کیفیت رابطه، در قربانی پرخاشگری و کسی که آن را مرتکب شده، همراه است. داتون و وایت^۳ (۲۰۱۲)، در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که دلبستگی ایمن، احتمال پرخاشگری را در روابط صمیمانه افزایش می‌دهد. کلیفورد (۲۰۱۳) نیز در پژوهش خود نشان داد که زوجینی که رفتار پرخاشگرانه در رابطه با همسر خود دارند، از دلبستگی نایمن بهره‌مند هستند. میکولینسر^۴ و همکاران (۲۰۰۱) دریافتند، سبک‌های دلبستگی با استراتژی‌های مختلف مقابله با مشکلات بزرگسالی، از جمله در روابط زوجین، مرتبط است. افراد با سبک دلبستگی ایمن، راهبردهای سازنده‌تری را استفاده می‌کنند و به‌منظور پیدا کردن راه‌حلی برای مشکلات خود بیشتر تلاش می‌کنند، آن‌ها همچنین در اغلب موارد از خود سازش نشان داده، بیشتر نگران شریک زندگی خود هستند و از استراتژی‌های یکپارچه‌تر و خودمحورتر (به خود متکی) استفاده می‌کنند (لوی و داویس^۵، ۱۹۹۸)، بنابراین به‌نظر می‌رسد، کمتر احتمال دارد که یک فرد بزرگسال با سبک دلبستگی ایمن به کناره‌گیری عاطفی و تخریب وجهه‌ی اجتماعی همسر خود برای حل یک معضل اقدام کند.

از سوی دیگر بزرگسالان مضطرب، با هر وضعیتی که برای همدلی و تفاهم با دیگران و پاسخ به موقعیت‌های احساسی همراه با نگرانی و ناامیدی فراخوان شوند، آشفته و نگران می‌شوند (میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۱). هنگامی که با مشکلی مواجه شوند، بیشتر متوسل به استراتژی‌هایی می‌شوند که هم طرف مقابلشان را ملزم کرده و هم از دیگری به‌منظور حفظ رابطه خود با دیگران جلوگیری می‌کنند. افراد مضطرب، معمولاً درک منفی بسیار بالایی از دیدن درگیری داشته و آن را به‌عنوان عامل مضر و مخرب برای روابط خود در نظر می‌گیرند؛ بنابراین، افراد مضطرب که از ترس رها گشته‌اند اغلب موفق به مقابله با مشکلات به‌طور مستقیم می‌شوند. محققان معتقد هستند، افرادی که با مشکلات به‌طور مستقیم مبارزه می‌کنند، به حداقل شکل مستقیم از دستکاری رابطه کشیده شده‌اند که همان تخریب وجهه‌ی اجتماعی است (بن‌آری و هیرشبرگ^۶، ۲۰۰۹). بزرگسالان با دلبستگی اجتنابی از ابزار عاطفی جلوگیری کرده و از استراتژی پیچیده‌تر ایجاد فاصله‌گیری برای جلوگیری از هر موقعیتی، استفاده می‌کنند که ممکن است تبدیل به صمیمیت شود (همان منبع). فقدان مشارکت آن‌ها ناشی از گرایش آن‌ها به دیدن دیگران به‌عنوان افرادی قابل اعتماد است. افراد اجتنابی به‌طور کلی یک درک منفی از مشکلات دارند، احتمالاً به‌دلیل آن که می‌ترسند در درگیری به آن‌ها آسیب برسد و نقص‌های آن‌ها بیشتر مطرح شوند لذا از روابط کناره‌گیری می‌کنند. همچنین این دسته از افراد، هنگامی که با مشکلی

¹ Bookwala & Zdaniuk

² Linder

³ Dutton & White

⁴ Mikulincer

⁵ Levy & Davis

⁶ Ben-Ari & Hirshberg

مواجه می‌شوند، درباره‌ی حمایت دیگران تردید داشته (خزاعی و همکاران، ۱۳۹۶) و بیشتر احتمال دارد به استراتژی‌های سلطه‌گرانه متوسل شوند (بن‌آری و هیرشبرگ، ۲۰۰۹).

همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که طحرواره‌های ناسازگار اولیه بر احساس گناه و شرم تأثیر دارد. در تبیین این یافته‌ها، می‌توان گفت که طحرواره درمانی به درمانگر کمک می‌کند تا مشکلات مزمن و عمیق بیماران را دقیق‌تر تعریف کرده، آنها را به گونه‌ای قابل درک سازماندهی کنند. در این مدل، ردپای طحرواره‌ها با تأکید بر روابط بین فردی بیمار از کودکی تا زمان حال دنبال می‌شود. با به کارگیری این مدل بیماران می‌توانند طحرواره‌های ناسازگار اولیه‌ی خود را به صورت ناهمخوان ببینند. در نتیجه، با آگاهی از وجود طحرواره‌های ناسازگار اولیه، برای رها شدن از مشکلات انگیزه‌ی بیشتری پیدا می‌کنند. طحرواره‌ها، مفروضه‌ها یا قوانین زیربنایی هستند که افکار و رفتارهای فرد را زیر کنترل خود دارند و در طول سال‌های زندگی فرد تحول یافته‌اند؛ محتوای طحرواره‌ها، همه‌ی جنبه‌های زندگی فرد اعم از آگاهانه یا غیرآگاهانه را در بر گیرد. طحرواره‌ها، معنی و ساختاری را که فرد به دنیا می‌دهد، ایجاد می‌کنند. آن‌ها در طول دوره‌ی تحول فرد شکل گرفته‌اند؛ به این معنا که به موازات دریافت اطلاعات فرد از محیط اطراف، آن را پردازش و فیلتر می‌کنند. به طور خلاصه، طحرواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب‌رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن فرد شکل گرفته‌اند و در سیر زندگی تکرار می‌شوند. محدودیت‌ها در این پژوهش فقدان پژوهش‌های متعدد در زمینه‌ی اثربخشی این رویکرد بر نشانه‌های محور یک که شامل اضطراب اجتماعی و انواع پرخاشگری بود، از طرفی وجود یک کمک‌درمانگر در این پژوهش احساس‌گرایانه است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که طحرواره‌های ناسازگار اولیه و پرخاشگری ارتباطی پنهان تأثیر دارد. طحرواره‌ها همیشه باعث ایجاد سوگیری در تفسیر انسان از وقایع می‌شوند و این سوگیری‌ها به صورت سوءتفاهم، نگرش‌های تحریف‌شده، فرض‌های نادرست و هدف‌ها و انتظارات غیرواقعی‌بینانه ظاهر می‌شوند. همچنین تمایل بشر به هماهنگی شناختی باعث می‌شود که موقعیت‌ها را به گونه‌ای سوءتعبیر کند که طحرواره‌ها تقویت شوند، به طرزیکه بر داده‌های همخوان با طحرواره تأکید می‌کند و داده‌هایی را که با طحرواره منافات دارند، نادیده می‌گیرد و یا کم‌ارزش می‌شمارد (همتی ثابت و همکاران، ۱۳۹۵). در تبیین نتیجه فوق باید گفت پرخاشگری در تعارضات دربردارنده رفتارهایی است که اغلب حالت ناگهانی داشته و عکس‌العمل‌های عاطفی خارج از کنترل را در بر می‌گیرند. این سبک تعارض را در شکل منفی نشان می‌دهد که می‌تواند متشکل از درگیری‌های کلامی یا فیزیکی باشد که با هدف تحمل انطباق یا کناره‌گیری انجام می‌شوند (یزدان‌پناه و همکاران، ۱۳۹۱). همسری که از این سبک استفاده می‌کند نمی‌تواند تمرکز بر موضوع اصلی داشته باشد و بیشتر بر اساس هیجان‌ها موضوع را در نظر گرفته و هیجانی عمل می‌کند. در صورتی که در حل تعارض بر مباحثه صحیح تأکید می‌شود. اگر به جای پرخاش مباحثه و حل مسئله شیوه حل تعارض باشد، می‌تواند توافق بیشتر، توازن قدرت، رویکردهای خلاق به حل مسئله را به همراه داشته باشد. در این شیوه هر دو طرف حس توانمندی و باارزش بودن را دارند، نیازهای هر دو در نظر گرفته می‌شود و حق و حقوق هر دو طرف قابل احترام و در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین می‌تواند در بروز احساس امنیت، صمیمیت، اعتماد موثر بوده و مانعی برای بروز احساسات ناشی از عدم در دسترس بودن افراد مورد اعتماد و مورد نیاز از جمله پرخاشگری شود. در تبیین این یافته می‌توان گفت رفتار پرخاشگرانه عملی خودخواهانه است. چون هدف آن برآورده ساختن نیاز خود بدون توجه به خواسته‌های دیگران است. ولی جرات‌ورزی، نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری و اهل مذاکره و گفتگو بودن افراد و مشخص‌کننده متعهد بودن افراد به مراقبت از خود است. ابراز عقاید، بیان احساسات و دفاع از ارزش‌های خود هرگز به منزله خودخواهی نیست. افرادی که ما را به خاطر ابراز عقایدی د دفاع از حقوق خود بی‌ملاحظه و خودخواه می‌نامند، پرخاشگرانه عمیل می‌ی‌کنند و می‌ی‌کوشند در افیراد احساس گناه ایجاد کنند. زمانی که به خودخواهی وبی‌ملاحظه بودن متهم می‌ی‌شویم و سوسیه بی‌ی‌جراتی و تسلیم شدن، در ما قوت می‌گیرد ولی باید تسلیم این سوسیه‌ها نشد، زیرا بی‌جراتی در واقع، نیوع‌ی شیانه خالی کردن است. وقتی فاقد جرات ورزی هستیم، باید بتوانیم در مقابل تلاش دیگران بیرای‌تغییری ر دادن بی‌تسلیم کردن، مقاومت کرده و انتقادات و مخالفت‌های آنها را تحمل کنیم. چون هرچه بیشتر منصفانه و سنجیده عمل نماییم، عزت نفس ما بیشتر می‌شود. همراهی و همفکری دائمی با دیگران به علت ترس از مخالفت با آنان، عدم بیان خواسته‌های مشروع خود، مهم‌تر شمردن حقوق دیگران، حساسیت واضطراب زیاد در جمع، زودرنجی، احساس تنهایی و حقارت، از عوارض پیامدهای نامطلوب رفتارهای حاکی از عدم ابراز وجود است. مردم، افراد پرخاشگر را ناسازگار، زورگو، سلطه‌گر و غیر خویشتن‌دار می‌دانند. اگرچه این گونه افراد گاهی با نهیب زدن و ترساندن دیگران، می‌توانند حرف خود را به کرسی بنشانند، اما باعث می‌شوند تا دیگران از آن‌ها بیزار و گریزان شوند. در عین حال این سبک، دیگران را هم پرخاشگر می‌کنید، به گونه‌ای که گاهی پرخاشگری کلامی به پرخاشگری جسمی مبدل می‌شود. از سوی دیگر، عدم ابراز وجود باعث می‌شود تا دیگران اشخاص فاقد ابراز وجود را موجودی ضعیف بدانند و فکر کنند که به سادگی می‌توانند آن‌ها را فریب دهند، در نتیجه آنان اغلب از زندگی خود

ناراضی هستند نمی‌توانید به اهداف خیود دست یابند. دیگران هم کمتر به آن‌ها اعتماد می‌کنند و آنان را افراد نالایقی می‌نمایند؛ اما اشخاصی که اهل ابراز وجود هستند، کنترل بیشتری بر زندگی خود دارند و اغلب، از روابط خود رضایت داشته و به اهداف خویش می‌رسند. مردم هم به آنها اعتماد بیشتری دارند و برایشان احترام زیادی قائلند.

یافته‌های دیگر پژوهش حاضر نشان داد که احساس گناه و شرم بر پرخاشگری ارتباطی پنهان تأثیر دارد. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که، رفتارهای اجتنابی مرد در تعامل با شرم زن، به افزایش شرم خشونت‌ی منجر شود که به زن این ایده را می‌دهد که هیچ کس عاشق او نیست، زیرا او ناقص است. سپس زن برای تنبیه مردش، از کناره‌گیری عاطفی استفاده می‌کند. البته به نظر می‌رسد این نتیجه می‌تواند در شرایطی اتفاق بیفتد که دلبستگی غالب زن از نوع دلبستگی اجتنابی باشد که در شرایط این‌چنینی به کناره‌گیری عاطفی دست بزند. آبرامز^۱ (۲۰۰۹) معتقد است یک فرد هنگامی که فکر می‌کند دیگران درباره‌ی من چه حسی دارند شروع به فرفکنی بر دیگران می‌کند. به این معنا که یک زن یا مردی که در کنار دوستان و آشنایان احساس بدی دارد شروع به فرفکنی احساسات بد خود نسبت به همسرش می‌کند، همسری که در حال حاضر حضور نداشته و نمی‌تواند از خود دفاع کند. در کل به نظر می‌رسد زوجین دارای شرم بالا از کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهه‌ی اجتماعی به- صورت یک مکانیزم دفاعی استفاده می‌کنند. از سوی دیگر، احساس گناه باعث می‌شود عملکرد فرد در محیط با اضطراب و ترس همراه شود و اون تواند خود را با محیط‌های مختلف به خوبی سازگار کند (اگان^۲ و همکاران، ۲۰۱۱). به همین دلیل، از محیط گریزان می‌شود و به دلیل نشخوارهای فکری که دارد، ممکن است به تخریب وجهه‌ی اجتماعی همسر خود دست بزند.

در بررسی مدل مفهومی پژوهش حاضر نتایج نشان داد که متغیر احساس گناه و شرم نقش متغیر میانجی بین متغیرهای سبک‌های دلبستگی ایمن، اجتنابی، اضطرابی با پرخاشگری ارتباطی پنهان را دارد. به نظر می‌رسد که زنان با سبک دلبستگی ایمن به دلیل دیدگاه مثبت به خود و دیگران، کمتر دچار احساس گناه و شرم شوند و از کناره‌گیری عاطفی و تخریب وجهه‌ی اجتماعی نیز کمتر استفاده کنند. با توجه به رابطه‌ی مثبت دلبستگی اضطرابی با احساس شرم و رابطه‌ی منفی آن با کناره‌گیری عاطفی، به نظر می‌رسد که شرم، احساس منفی را که فرد دارای دلبستگی اضطرابی به خود دارد افزایش می‌دهد و به دنبال آن، ترس از دست دادن محبت همسر، بیشتر تجربه می‌شود و این ترس باعث کاهش هرچه بیشتر کناره‌گیری عاطفی فرد از همسر خود می‌شود. همان‌طور که گفته شد، افراد مضطرب، با هر موقعیتی که برای مدلی و تفاهم با دیگران و پاسخ به موقعیت‌های احساسی همراه با نگرانی و ناامیدی فراخوانده شوند، آشفته و نگران می‌شوند (میکولینسر و همکاران، ۲۰۰۱). ولی زمانی که احساس گناه فرد دارای دلبستگی اضطرابی در کنار احساس شرم او افزایش پیدا کند، به نظر می‌رسد که باعث تخریب کردن وجهه‌ی اجتماعی همسر شود. پنهان کردن خشم و فقدان کناره‌گیری عاطفی که زوجین دارای دلبستگی اضطرابی، در شرایط تنش‌زا دارند، به- نظر می‌رسد به این دلیل باشد که نمی‌خواهند همسرشان را ترک کنند. این خشم در کنار خودسرزندی و احساس بی‌ارزشی کردن و همچنین احساس گناه از اشتباهاتی که داشته‌اند، باعث می‌شود که برای تخلیه‌ی هیجان خشم خود، راه تخریب کردن وجهه‌ی اجتماعی همسرشان را انتخاب کنند. همچنین، همان‌طور که گفته شد، افراد اجتنابی به‌طور کلی درک منفی از مشکلات دارند، احتمالاً به سبب آن‌که می‌ترسند در درگیری به آن‌ها آسیب برسد و یا نقص‌هایشان بیشتر مطرح شوند لذا از روابط کناره‌گیری می‌کنند (بن‌آری و هیرسبرگ، ۲۰۰۹)؛ و به دلیل این- که این دسته از افراد دیدگاه منفی نسبت به دیگران دارند، در شرایطی که احساس گناه درباره‌ی آن‌ها اتفاق بیفتد، دچار نوعی خشم پنهان می- شوند و به نظر می‌رسد که هیجان خشم آن‌ها از طریق خراب کردن وجهه‌ی اجتماعی دیگران، بروز پیدا کند.

یکی از محدودیت‌های این پژوهش مربوط به اندازه‌گیری پرخاشگری توسط شریک زندگی، به جای مشاهده میدانی و خودگزارشی بود. این امر ممکن است سطح واقعی پرخاشگری را در زوجین نشان ندهد. محدودیت دیگر در رابطه به تعمیم دادن یافته‌های این پژوهش است. همچنین نمونه‌های این پژوهش ساکنین شهر اهواز بودند که ممکن است به دیگر مناطق قابل تعمیم نباشد.

¹ Abrams

² Egan

منابع

- آهی، قاسم؛ محمدی‌فر، محمدعلی؛ بشارت، محمدعلی، (۱۳۸۶). پایایی و اعتباریابی فرم کوتاه پرسشنامه طرح‌واره‌های یانگ، مجله روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، ۳۶(۷۶)، ۲۰-۵.
- پاکدامن، شهلا؛ خانجانی، مهدی، (۱۳۹۰). نقش فرزندپروری ادراک‌شده در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و جمع‌گرایی در دانشجویان، فصلنامه پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، ۴(۱)، ۸۱-۱۰۲.
- تفرشی، مدیا؛ امیری مجدی، مجتبی؛ جعفری، اصغر، (۱۳۹۲). تأثیر آموزشی مهارت‌های مدیریت خشم در کاهش خشنونت خانوادگی و بهبود رضایت زناشویی، فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۳(۲۵)، ۳۱۰-۲۹۹.
- جوکار، بهرام؛ کمالی، فاطمه، (۱۳۹۴). بررسی رابطه معنویت و احساس شرم و گناه، فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی، ۱(۱)، ۲۱-۴.
- خانجانی، زینب؛ ظفرقلی‌زاده، نسیم، (۱۳۸۸). رابطه‌ی بین پرخاشگری و رضایت زناشویی در کارمندان متأهل بانک‌های دولتی شهر ارومیه، زن و مطالعات خانواده، ۲(۵)، ۶۶-۴۱.
- خزاعی، سمانه؛ نوایی‌نژاد، شکوه؛ فرزاد، ولی‌الله؛ زهراکار، کیانوش، (۱۳۹۶). پیش‌بینی پرخاشگری پنهان ارتباطی (کناره‌گیری عاطفی و خراب کردن وجهی اجتماعی) بر اساس سبک‌های دلبستگی در زنان متأهل شهر بیرجند: نقش میانجی احساس شرم و گناه، مطالعات زن و خانواده، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا (س)، ۱(۱)، ۱۲۹-۱۰۳.
- خزاعی، سمانه؛ نوایی‌نژاد، شکوه؛ فرزاد، ولی‌الله؛ زهراکار، کیانوش، (۱۳۹۶). رابطه‌ی سبک‌های دلبستگی و پرخاشگری ارتباطی پنهان: با واسطه‌گری احساس شرم و گناه، فصلنامه روانشناسی تحول: روانشناسان ایرانی، ۱۴(۵۴)، ۱۷۲-۱۵۵.
- معصومی، سیده سایده، (۱۳۹۵). رابطه‌ی بین طرح‌واره‌های ناسازگارانه اولیه با احساس تنهایی و پرخاشگری در دانشجویان مبتلا به سندروم پیش‌قاعدگی، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- نظری، فاطمه؛ کاکاوند، علیرضا؛ مشهدی‌فراهانی، ملکه، (۱۳۹۴). رابطه طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با شیوه‌های فرزندپروری مادران و اختلال‌های بیرونی‌شده فرزندانشان، فصلنامه روانشناسی کاربردی، ۲(۲)، ۱۳۵-۱۱۵.
- هاشمی، سعادته؛ درتاج، فریبرز؛ سعدی‌پور، اسماعیل؛ اسدزاده، حسن، (۱۳۹۶). الگوی ساختاری احساسات شرم و گناه بر اساس شیوه‌های فرزندپروری والدین: نقش واسطه‌ای سبک‌های دلبستگی، فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی کاربردی، ۱۱(۴)، ۴۹۳-۴۷۵.
- Abrams, J. (2009). What's Reality Got to Do with It? Projective Processes in Adult Intimate Relationships. *Psychoanalytic Social Work*, 16(2): 126-138.
- Akbag, M., & Erden Imanoglu, S. (2010). The prediction of gender and attachment styles on shame, guilt, and loneliness. *Kuram ve Uygulamada Eğitim Bilimleri/Educational Sciences: Theory & Practice*, 10(2): 669-682.
- Alexandrov, E. O., Cowan, P. A., & Cowan, C. P. (2005). Couple attachment and the quality of marital relationships: Methods and concept in the validation of the new couple attachment interview and coding system. *Attachment and Human Development*, 7, 123-152.
- Ardebili, E. F., & Golshani, F. (2016). Early Maladaptive Schemas and Aggression Based on the Birth Order of Children. *Modern Applied Science*; 10(9), 14-21.
- Ben-Ari, R., & Hirshberg, I. (2009). Attachment styles, conflict perception, and adolescents' strategies of coping with interpersonal conflict. *Negotiation Journal*, 25(1): 59-82.
- Benson, L. A., Sevier, M., & Christensen, A. (2013). The impact of behavioral couple therapy on attachment distressed couples. *Journal of Marital and Family Therapy*, 39(4), 407-420.
- Besharat, M. (2003). Relation of attachment style with marital conflict. *Psychological Reports*, 92(3), 1135-1140.
- Bookwala, J., & Zdaniuk, B. (1998). Adult attachment styles and aggressive behavior within dating relationships. *Journal of Social and Personal Relationships*, 15(2): 175-190.
- Carroll, J. S., Nelson, D. A., Yorgason, J. B., Harper, J. M. Ashton, R. H., & Jensen, A. C. (2010). Relational aggression in marriage. *Aggressive Behavior*, 36(5), 315-329.
- Cherry, M.G., Taylor, O.J., Brown, S.L., Rigby, J.W., & Sellwood, W. (2017). Guilt, shame and expressed emotion in careers of people with long-term mental health difficulties: A systematic review. *Psychiatry Research*, 83(3): 139-151.
- Chung, K., & Choi, E. (2014). Attachment styles and mother's well-being among mothers of preschool children in Korea: The mediating role of marital satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 69, 135-139.
- Clifford, C. E. (2013). Attachment and Covert Relational Aggression in Marriage with Shame as a Potential Moderating Variable: A Two Wave Panel Study.
- Cohen, T. R., Wolf, S. T., Panter, A. T., & Insko, C. A. (2011). Introducing the GASP scale: A new measure of guilt and shame proneness. *Journal of Personality and Social Psychology*, 100(5): 947-966.
- Cowan, P. A., Cowan, C. P., & Mehta, N. (2009). Adult attachment, couple attachment, and children's adaption to school: An integrated attachment template and family risk model. *Attachment & Human Development*, 11(1), 29-46.
- Crick, N. R., & Dodge, K. A. (1994). A review & reformulation of social information processing mechanisms in children adjustment. *Psychological Bulletin*, 115, 74-101.
- Curtis, D. S., Epstein, N. B., & Wheeler, B. (2015). Relationship Satisfaction Mediates the Link Between Partner Aggression and Relationship Dissolution the Importance of Considering Severity. *Journal of interpersonal violence*, 0886260515588524.
- Dutton, D. G., & White, K. R. (2012). Attachment insecurity and intimate partner violence. *Aggression and violent behavior*, 17(5): 475-481.
- Egan, S. J., Wade, T. D., & Shafran, R. (2011). Perfectionism as a transdiagnostic process: A clinical review. *Clinical psychology review*, 31(2): 203-212.
- Feeney, J. A. (2008). Adult romantic attachment: Developments in the study of couple relationships. In J. Cassidy & P. R. Shaver (Eds), *Handbook of attachment: Theory, research, and clinical applications* (pp. 456-481). New York: The Guilford Press.
- Feiring, C., & Taska, L. S. (2005). The persistence of shame following sexual abuse: A longitudinal look at risk and recovery. *Child Maltreatment*, 10(4): 337-349.
- Frankel, L. A., Umemura, T., Jacobvitz, D., & Hazen, N. (2015). Marital conflict and parental responses to infant negative emotions: relations with toddler emotional regulation. *Infant Behavior and Development*, 40, 73-83.
- Fuenfhausen, K. K., & Cashwell, C. S. (2013). Attachment, stress, dyadic coping, and marital satisfaction of counseling graduate students. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couple and Families*, 21(4), 364-370.
- Gallo, L. C., & Smith, T. W. (2001). Attachment style in marriage: Adjustment and responses to interaction. *Journal of Social and Personal Relationships*, 18(2), 263-289.
- Gross, C. A., & Hansen, N. (2000). Clarifying the experience of shame: The role of attachment style, gender, and investment in relatedness. *Personality and Individual Differences*, 28(5): 897-907.

- Hejdenberg, J., & Andrews, B. (2011). The relationship between shame and different types of anger: A theory-based investigation. *Personality and Individual Differences*, 50(1): 1278–1282.
- Heyman, R. E., & Slep, A. M. S. (2002). Do child abuse and interparental violence lead to adulthood family violence? *Journal of Marriage and Family*, 64(4): 864-870.
- Hollist, C. S., & Miller, R. B. (2005). Perceptions of attachment style and marital quality in midlife marriage. *Family Relations*, 54(1), 46–57.
- Huesmann, L. R. (1998). An information- processing model for the development of aggression. *Aggression Behavior*, 14, 13-24.
- Johnson, S., & Greenman, P. (2013). Commentary: Of course it is all about attachment! *Journal of Marital & Family Therapy*, 39(4), 421–423.
- Levy, M. B., & Davis, K. E. (1988). Lovestyles and attachment styles compared: Their relations to each other and to various relationship characteristics. *Journal of Social and Personal Relationships*, 5(4), 439-471.
- Linder, J. R., Crick, N. R., & Collins, W. A. (2002). Relational aggression and victimization in young adults' romantic relationships: Associations with perceptions of parent, peer, and romantic relationship quality. *Social Development*, 11(1): 69-86.
- Madsen, C. A. (2012). *The impact of marital power on relational aggression*. Kansas State University.
- Maunder, R. G., Hunter, J. J., & Lancee, W. J. (2011). The impact of attachment insecurity and sleep disturbance on symptoms and sick days in hospital based health care workers. *Journal of Psychosomatic Research*, 70(1), 11–17.
- Meng, X., D'Arcy, C., & Adams, G. C. (2015). Associations between adult attachment style and mental health care utilization: Findings from a large-scale national survey. *Psychiatry Research*, 229(1), 454-461.
- Mikulincer, M., & Shaver, P. R. (2007). Attachment in adulthood: Structure, dynamics and change (pp. 251–323). New York: Guilford Press.
- Mikulincer, M., Florian, V., Cowan, P. A., & Cowan, C. P. (2002). Attachment security in couple relationships: A systemic model and its implication for family dynamics. *Family Process*, 41(3), 405–434.
- Mikulincer, M., Gillath, O., Halevy, V., Avihou, N., Avidan, S., & Eshkoli, N. (2001). Attachment theory and reactions to others' needs: Evidence that activation of the sense of attachment security promotes empathic responses. *Journal of personality and social psychology*, 81(6), 1205-1224.
- Mills, R. S. (2005). Taking stock of the developmental literature on shame. *Developmental Review*, 25(1), 26-63.
- Muris, P., Meesters, C., Cima, M., Verhagen, M., Brochard, N., Sanders, A. Meesters, V. (2014). Bound to feel bad about oneself: Relations between attachment and the self-conscious emotions of guilt and shame in children and adolescents. *Journal of Child and Family Studies*, 23(7): 1278-1288.
- Nelson D. A., & Carroll, J. S. (2006). Couples Relational Aggression and Victimization Scale (CRAS). Provo, UT: RELATE Institute.
- Passanisi, A., Sapienza, I., Budello, S., & Giaimo, F. (2015). The relationship between guilt, shame and self-efficacy beliefs in middle school students. *Social and Behavioral Sciences*, 197(1): 1013 – 1017.
- Pietromonaco, P. R., DeBuse, C. J., & Powers, S. I. (2013). Does attachment get under the skin? Adult romantic attachment and cortisol responses to stress. *Current Directions in Psychological Science*, 22(1), 63–68.
- Renner, Fritz, Arntz, Arnoud, Peeters, P.M.L Frenk, Lobbestael, Jill, Huibers, J.H Marcus. (2016). Schema therapy for chronic depression: Results of a multiple single case series. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*. 51(2016): 66-73.
- Renshaw, K. D., Blais, R. K., & Smith, T. W. (2010). Components of negative affectivity and marital satisfaction: The importance of actor and partner anger. *Journal of Research in Personality*, 44(3): 328-334.
- SANDBERG, J. G., BRADFORD, A. B., & BROWN, A. P., (2017). Differentiating Between Attachment Styles and Behaviors and their Association with Marital Quality. *FAMILY PROCESS*, 56(2), 518-531.
- Sandberg, J. G., Busby, D. M., Johnson, S. M., & Yoshida, K. (2012). The brief accessibility, responsiveness, and engagement (BARE) scale: A tool for measuring attachment behavior in couple relationships. *Family Process*, 51(4), 512–526.
- Schimmenti, A. (2012). Unveiling the hidden self: Developmental trauma and pathological shame. *Psychodynamic Practice*, 18(2):195–211.
- Schmidt, N. B., Joiner, T. E., Young, T. E., & Telch, M. J. (1995). The Schema Questionnaire: Investigation of psychometric properties and the hierarchical structure of a measure of maladaptive schemas. *Cognitive Therapy and Research*, 19(3): 295-321.
- Tangney, J., & Tracy, J. (2012). *Self-conscious emotions*. In: Leary, M., Tangney, J. (Eds.), *Handbook of self and identity*. 2nd ed. Guilford Press, New York.
- Tomas-Tolentino, G. H. (2010). The Relationship Among Adult Attachment Styles, Shame, Dissociation, and Abuse Characteristics in Women Survivors of Intrafamilial Child Sexual Abuse Perpetrated by a Parental-Figure.
- Young, J. E. (1999). *Cognitive Therapy for Personality Disorders: A Schema- Focused Approach* (9rd Ed). Professional Resource Press.